

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال اول، شماره دوم، بهار ۱۳۸۹

رحمدل و اسوه‌های پایداری* (علمی- پژوهشی)

دکتر پروین تاج بخش

استادیار دانشگاه پیام نور رشت

خدیجه گنجی بیجار پس

دانشجوی کارشناسی ارشد پیام نور رشت

چکیده

با شروع جنگ تحمیلی فضای شعر بسیاری از شاعران تغییر یافت. شعر به سنگرها رفت و جنگ و جبهه و شهادت مضمون اصلی بسیاری از گویندگان شد. در این برهه، روح حماسه و عرفان در هم آمیخت و شعرا با سرودن غزل‌های حماسی-عرفانی مجاهدت‌ها و دلاوری‌های ملت ایران را به تصویر کشیدند. غلامرضا رحمدل از جمله شاعران متعهد گیلانی است که جبهه را به شعر کشاند. وی در سرودن اشعار پایداری مهارت خاصی دارد. در اشعار وی، شهادت و ایثارگری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

این نوشتار به بررسی سروده‌های شاعر در دو کتاب "از زمزمه تا فریاد" و "مایستاده ایم" می‌پردازد. مطالعه‌ی این دو کتاب، تسلط شاعر را در کاربرد اوزان و قوالب شعری و نیز نوآوری‌های وی را در خلق تصاویر زیبا و بدیع از حماسه‌ی پایداری ملت ایران به خوبی نشان می‌دهد. رحمدل در تصویر رشادت‌ها و از خود گذشتگی‌های ملت ایران از اسوه‌های مذهبی و ملی در شعر خویش بهره‌جسته و مخاطبان خود را به پیروی از اسوه‌های مقاومت ترغیب نموده است. گزینش واژه‌های مناسب، ساختن ترکیبات نو و انتخاب وزن و قافیه‌ی متناسب با موضوع شعر به شعر رحمدل انسجام و روانی خاصی داده است.

واژگان کلیدی

رحمدل، شعر پایداری، اسوه‌های مذهبی و ملی، صور خیال.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۱۲/۲ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۸۹/۲/۲۵

نشانی پست الکترونیک نویسنده: _____

۱- مقدمه

انقلاب اسلامی ایران از بزرگترین حوادث سیاسی قرن اخیر به شمار می‌رود. حدود یکسال و نیم پس از پیروزی انقلاب، کشور ما درگیر جنگی شد که آثار و پیامدهای مثبت و منفی بسیاری در پی داشت. دفاع هشت ساله ملت ایران در برابر استکبار جهانی و کشور مهاجم عراق، تأثیر شگرفی بر حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، هنری و ... داشت. ادبیات نیز از این تأثیر بی‌نصیب نماند و شاعران و نویسندگان، در طول دفاع مقدس و پس از آن، آثار بدیع و ارزشمندی در قالب نظم و نثر آفریدند. یکی از دستاوردهای ارزنده‌ی آن، تولد ادبیات پایداری در این دوره است.

شاعران متعهد گیلان نیز با درک ضروریات زمانه‌ی خود، با شمشیر قلم وارد عرصه‌ی دفاع از ارزش‌های مقدس مذهبی و ملی شدند و علاوه بر خلق آثار ادبی به شیوه‌ی کلاسیک، آثار شکوهمندی در قالب‌های نیمایی و سپید ارائه دادند. از جمله شاعران تأثیرگذار در این حوزه می‌توان به دکتر غلامرضا رحمدل، بهمن صالحی، روزبه فروتن پی، عبدالرضا رضایی نیا و ... اشاره نمود. از آن جا که دکتر رحمدل یکی از چهره‌های درخشان در این زمینه بود، در این مقاله برآنیم که اشعار دو کتاب «ما ایستاده‌ایم» و «از زمزمه تا فریاد» را مورد بررسی قرار دهیم.

۲- معرفی دکتر غلامرضا رحمدل

غلامرضا رحمدل شرفشاده‌ی در سال ۱۳۳۰ در روستای شرفشاده لاهیجان به دنیا آمد. وی تحصیلات ابتدایی خود را در همان روستا گذراند و پس از طی مقطع متوسطه در دبیرستان مهدیه‌ی لنگرود، در سال ۱۳۵۷ موفق به اخذ مدرک کارشناسی از دانشگاه تربیت معلم گردید. وی دوره‌ی کارشناسی ارشد را در دانشگاه تهران گذراند و در سال ۱۳۷۱ دوره‌ی دکتری را در دانشگاه تربیت مدرس به پایان رسانید.

او یکی از استادان پرکار دانشگاه گیلان و نیز اولین کسی بود که بر کرسی استادی دانشکده‌ی علوم انسانی این دانشگاه تکیه زد. راه اندازی مرکز پژوهشی

نشریه‌ی ادبیات پایداری / ۷۵

گیلان شناسی دانشگاه گیلان نیز از اقدامات وی است. همچنین، وی مدیر مسئول فصلنامه‌ی ادب پژوهی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان بود.

تألیفات رحمدل در زمینه‌های نقد ادبی، تاریخ اسلام و ادبیات معاصر به ویژه ادبیات دفاع مقدس بالغ بر ۱۶ عنوان کتاب و ۳۸ عنوان مقاله است. از جمله آثار وی میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

کتاب‌ها: ۱- تذکره‌ی شهدای کربلا ۲- رجزهای یورشی در کلام حماسه آفرینان کربلا ۳- فرافکنی در مثنوی مولوی ۴- شکفتن طوفان (شعر) ۵- ما ایستاده ایم (شعر) ۶- از زمزمه تا فریاد (شعر) ۷- صخره در گلوگاه آب و ۸- ...

مقالات: ۱- خدا، انسان و طبیعت در دو بیتی‌های باباطاهر ۲- حکمت و اخلاق در غزلیات حافظ ۳- نگاهی اجمالی به ادبیات پایداری ۴- اخلاق اجتماعی در مثنوی معنوی ۵- حماسه در شعر انقلاب ۶- سیمای صبح در آئینه‌ی قرآن ۷- نگاهی به آسمان سبز (تحلیل شعر سلمان هراتی) و ۸- ...

وی چند سال پی‌اپی، موفق به کسب عنوان پژوهشگر نمونه‌ی حوزه‌ی علوم انسانی شد و در سال ۱۳۸۶ از طرف بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس گیلان، مورد تجلیل قرار گرفت.

رحمدل تا آذرماه ۱۳۸۷، پر تلاش و بی وقفه در کلاس‌های درس دانشگاه گیلان حضور می‌یافت و تدریس می‌کرد، ولی متأسفانه در اواخر آذر همان سال به علت بیماری در بیمارستان گل‌سار رشت بستری شد و پس از طی کُمای طولانی، عصر روز سه‌شنبه ۲۵ فروردین ۱۳۸۸ در سن ۵۸ سالگی به دیدار معبودش شتافت.

۳- ویژگی‌های اشعار رحمدل

رحمدل در کنار تدریس و تحقیق، شعر نیز می‌سرود و در سرودن اشعار پایداری تبخّر خاصی داشت. شعر او آمیزه‌ای از هنر و تعهد بود. صریح، اهداف خود را در شعر بیان می‌کرد و بی‌محابا آنچه را در دل داشت، با عمیق‌ترین معانی در قالب ساده‌ترین واژه‌ها می‌گفت. وی در اکثر قالب‌های کلاسیک و نو

شعر می‌سرود. رحمدل زبانی ساده و صمیمی داشت و قافیه به طور طبیعی در انتهای ابیات شعر وی می‌نشست. مضامین اشعار رحمدل در این دو کتاب را می‌توان در دو گروه کلی قرار داد. تقویت ارزش‌های دینی و وقایع انقلاب و جنگ. شاعر در این اشعار به مفاهیم و موضوعاتی چون توحید، انتظار و پیروزی نهایی حق بر باطل پرداخته و صریح و ساده با مخاطبان خود سخن گفته است. محور اصلی اشعار وی در این دو کتاب مبارزه، ایثار و شهادت است. خاستگاه افکار شاعر در این اشعار، مذهب است. اعتقاد دینی با آرزوی عزت و سربلندی ایران آمیخته و شعر او را با شعور همراه ساخته است. او پس از پرداختن به موضوع ایثار و شهادت - که محور اصلی شعر اوست - به دو موضوع امام و جنگ نیز توجه ویژه‌ی نشان می‌دهد. وی با استفاده از تشبیه و استعاره و سایر ترفندهای تصویرسازی، حماسه‌ی پایداری ملت ایران را در شعر خویش به تصویر کشید. در دو کتاب مذکور، استفاده از استعاره، نمود بیشتری دارد.

۴- اسوه‌های پایداری در شعر رحمدل

بی‌شک حوادث سیاسی - اجتماعی بر شعر تأثیر می‌گذارد. شاعر خواه ناخواه از محیط و حوادث جامعه تأثیر می‌پذیرد. تجاوز رژیم عراق به مرزهای ایران سبب به وجود آمدن جنگی تمام عیار بین دو کشور شد. هشت سال جنگ، فرهنگ تازه‌ای را پدید آورد که از آن می‌توان با عنوان «فرهنگ جبهه و جنگ» یاد کرد. «شعر فارسی به سنگرها رفت و برخی شاعران با استشمام بوی باروت، درد ناشی از بمباران‌ها و واقعیت جنگ را در عمل آزمودند و مضمون‌ها و تصاویر بکری از واقعیت‌های خشن زندگی به آنان الهام گردید» (یا حقی، ۱۳۷۴، ص ۲۵۳).

دکتر رحمدل در سروده‌های خود مانند بسیاری از شاعران معاصر دیگر به بیان وقایع آن عصر و گرامی‌داشت جنگ و شهادت پرداخت و تمایلات دینی و

نشریه‌ی ادبیات پایداری / ۷۷

ملی را با هم تلفیق نمود. شعر رحمدل سرشار از مضامین و مفاهیم فرهنگی اسلامی است و شاید کمتر شعری را بتوان یافت که در آن مفهوم و یا مضمونی دینی به کار نرفته باشد.

در تاریخ همه‌ی اقوام و ملل جهان چهره‌هایی وجود دارند که زندگی و مرگ آنان با دیگران متفاوت است؛ این شخصیت‌ها برای احیا و ابقای ارزش‌های انسانی حتی از دادن جان خود دریغ نداشته‌اند. انبیا و اولیای الهی و قهرمانان ملی در هر جامعه از این گروه‌ها هستند. تجلی شاعرانه‌ی افکار و اندیشه‌های این گروه در شعر شعرای کلاسیک و نو به خوبی مشهود است. اسوه‌های پایداری در شعر رحمدل را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد:

الف. اسوه‌های مذهبی

ب. اسوه‌های ملی

۱-۴- اسوه‌های مذهبی

۱-۱-۴- پیامبر اکرم (ص)

«لقد كان لكم في رسول الله أسوةً حسنةً لمن كان يرجو الله واليوم الآخر و ذكر الله كثيراً» (احزاب / ۲۱) البته شما را در اقتدای به رسول خدا، چه در صبر و مقاومت با دشمن و چه دیگر از اوصاف و افعال نیکو، خیر و سعادت بسیار است برای آن کس که به ثواب و روز قیامت امیدوار باشد و یاد خدا بسیار کند.

حضرت محمد (ص) شاخص‌ترین چهره‌ای است که پارسی‌گویان در سروده‌های خود از گذشته تا کنون، از وی بهره برده‌اند. رحمدل نیز به سبب داشتن اعتقاد عمیق مذهبی همچون گویندگان سلف از نام و شخصیت حضرت محمد (ص) به تناسب و فراخور موضوع و در قالب طرحی نودرجای جای اشعار خود استفاده کرده است. وی در شعر «طرحی به استواری آزادی» این‌گونه پیامبر اکرم (ص) را توصیف می‌کند:

چابکسوار گرد رهایی / با نیزه‌ی فلق / راهی به قلب تیره‌ی شب بگشود / تا کاروان صبح و سپیده / با خیل نور خیمه زند در بسیط روز / میلاد شب شکاف محمد - میلاد آفتاب - / بر انجماد خشم شرف تایید (از زمزمه تا فریاد، ص ۲۰).

همان طور که از ظاهر شعر برمی‌آید، شعر در مورد بزرگترین اسوه‌ی مقاومت و پایداری مسلمانان جهان، پیامبر اکرم (ص) است. وی در این سروده‌ی نو از واژه‌های ساده‌ای بهره‌جسته، اما درعین حال، ترکیبات بدیع و زیبایی در آن به چشم می‌خورد. «چابکسوارگرد رهایی» استعاره‌ی مصرّحه از پیامبر اکرم (ص) است. در این ترکیب پیامبر (ص) به چابکسواری تیز رو تشبیه گشته که برای رهایی و آزادی برانگیخته شده است. «نیزه‌ی فلق» نیز ترکیب بدیعی است. در این ترکیب اراده‌ی استوار پیامبر (ص) برای مبارزه با ظلم و ستم حاکم بر فضای آن روز عربستان به فلق تشبیه شده؛ زیرا فلق نیز بر تیرگی و ظلمت شب چیره می‌شود و با خود صبح زیبا و روشن را به ارمغان می‌آورد. «کاروان صبح و سپیده» استعاره از پیروان اسلام است که قرار است با «خیل نور» (استعاره از معنویت و عرفان الهی) در فضای ظلمانی عربستان با ظلم و جور بجنگند و روشنی و عدالت را به جامعه هدیه کنند. «انجماد خشم شرف» ترکیب جدیدی است که شاعر اشرافیت و تکبر ناشی از آن را به یخی مانند نموده که با گرمای آفتاب وجود پیامبر (ص) آب می‌شود. محتوای این شعر امیدواری به آینده‌ای روشن را ترسیم می‌کند، امید به آینده‌ای که حق بر باطل چیره خواهد شد و زمین از آن وارثان حقیقی آن خواهد بود.

۲-۱-۴- امام حسین (ع) و یاران او

حوادث کربلا همواره مورد توجه گویندگان و نویسندگان بوده است؛ به گونه‌ای که در ادب فارسی اشعاری پدید آمده اند که از آن‌ها می‌توان با نام «شعر عاشورایی» یاد کرد. شاعران در این اشعار آزادگی و عزت امام حسین (ع) را ستوده و بر مظلومیت او نوحه سرایی کرده اند. «واقعه‌ی عاشورای حسینی»، مهم‌ترین اثری بود که در دگرگونی ادب و شعر فارسی و عربی آثار قابل توجهی از خود باقی گذاشت که می‌توان آن را مبدأ رستاخیزی در ادبیات درخشان ایران دانست، شرح و جزئیات این ایستادگی در راه حقیقت که انسان را بالاتر از فرشتگان و نزدیک‌تر به روح وحدانیت الهی قرار می‌دهد، نه تنها در صد کتاب و مقتل بیان شده، بلکه در زنده‌ترین و جاودانه‌ترین اشعار فارسی ما درآمده...

نشریه‌ی ادبیات پایداری / ۷۹

(امیری خراسانی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۲). قیام امام حسین (ع) علیه ظلم و جور خلافت اموی اولین و مهم‌ترین حرکت جمعی در جهت مبارزه با استبداد بود و این قیام سرمشقی شد برای تمامی آزاد مردان و آزاد زنان تاریخ.

رحمدل سالار شهیدان حسین بن علی (ع) را چنین می‌ستاید:

خاک تو شفاست یا اباعبدالله / داروی بلاست یا اباعبدالله / بر ساحل
دجله عاشقان حجله زدند / عباس کجاست؟ یا اباعبدالله (ما ایستاده‌ایم، ص ۷۷).
در این شعر خاک مرقد اباعبدالله (ع) به دارو تشبیه شده، دارویی که شفای جان‌ها در آن نهفته است. در بیت دوم «عاشقان» صفت جان‌نشین اسم و استعاره از یاران امام حسین (ع) در واقعه‌ی کربلاست که برای برگشت حضرت عباس (ع) به خیمه‌ها لحظه شماری می‌کنند و پیوسته از اباعبدالله (ع) سراغ او را می‌گیرند. تکرار ردیف «یا اباعبدالله» در این شعر، خواننده را به فضای کربلا می‌برد و با مخاطب قرار دادن اباعبدالله (ع)، خواننده احساس می‌کند که یکی از افراد حاضر در صحنه‌ی کربلاست. شعر با وجود این که به زبان ساده سروده شده، اما لبریز از عشق و عاطفه نسبت به امام حسین (ع) است. شاعر با استفاده از وزن «مفعول مفاعیل مفاعیل فعول» و واژه‌گزینی درست و بهره‌گیری از تلمیح توانسته است حزن و اندوه درونی خود را در کلام متجلی سازد. در سروده‌ی دیگری از علمدار دشت کربلا حضرت ابوالفضل‌العباس (ع) یاد می‌شود که شاعر این چنین به ستایش آن حضرت پرداخته است:

آغشته به خون، سپیده دم شد ای وای یک لاله ز باغ عشق کم شد ای وای
بر مصحف خون، رسول تاریخ نوشت اسطوره‌ی و القلم، قلم شد ای وای

(از زمزمه تا فریاد، ص ۴۳)

در این شعر، حضرت ابوالفضل‌العباس (ع) به سپیده دم تشبیه شده که وجه شبه این تشبیه، آغشته شدن به رنگ سرخ است؛ زیرا آسمان قبل از رسیدن به زمان صبح صادق سرخ رنگ است و شهید نیز آغشته به سرخی خون خود است. در مصرع دوم، خاندان امام حسین (ع) به «باغ گل» تشبیه شده‌اند که «یک لاله» از این باغ چیده شده است. در بیت دوم «رسول تاریخ» اضافه‌ی تشبیه‌ی است که

در آن تاریخ به پیام‌آوری تشبیه شده که وظیفه‌ی ابلاغ پیام را دارد، شاعر با تشبیه تاریخ به رسول، اظهار می‌دارد که این رسول بر «مصحف خون» نوشت که داستان «اسطوره‌ی و القلم» را قلم کردند. لاله در بیت اول و اسطوره‌ی و القلم در بیت دوم استعاره از حضرت عباس (ع) و مصحف خون استعاره از شهادت است. شاعر در این شعر با بهره‌جستن از تشبیه و استعاره و استفاده از آرایه‌ی مراعات‌النظیر بین واژه‌های لاله و باغ و مصحف و قلم بر زیبایی شعر افزوده است. همچنین، با کنایه‌ی «قلم شد» بسیار دقیق و هنرمندانه بریده شدن داستان حضرت ابوالفضل (ع) را یادآور می‌شود. اوج اندوه شاعر از شهادت حضرت ابوالفضل (ع) در ردیف «ای وای» کاملاً آشکار است.

۳-۱-۴- مهدی موعود (عج)

منشأ ادبیات پایداری عاشورا و غایت آن پیوند با قیام مهدی موعود (عج) است. انتظار موعود انتظار مقدّسی است که همه‌ی ما به آن توصیه شده‌ایم و برای فراهم آوردن زمینه‌های ظهور باید در صدد تأمین مقدمات آن باشیم.

«مهدی موعود (عج) مأموریت دارد تمام اصول تعلیمات اسلام را در جهان پیاده کند و اصول عدالت و داد و حق و حقیقت را در میان همه‌ی افراد بشر بسط و گسترش دهد.» (مکارم شیرازی، ۱۳۵۴، ص ۱۶۱).

رحمدل در شعر «مراد و مقصد» در این خصوص چنین می‌سراید:

چشم و دل ما ، دیار مهدی	ما عاشق بی‌قرار مهدی
سرلوحه‌ی فصل خاطر ماست	آینه‌ی انتظار مهدی

(ما ایستاده‌ایم، ص ۴۳)

در سروده‌ی فوق، استفاده‌ی به جا و درست از وزن «مفعول مفاعله فعلولن» نشاط و طرب درونی شاعر را نسبت به ظهور امام عصر (عج) نشان می‌دهد. شاعر چشم و دل منتظران آن حضرت را به مثابه موطن آن حضرت می‌داند و با این تشبیه زیبا باور به فرهنگ مهدویت را جزء اصول لاینفک مذهب می‌داند. در بیت بعدی تصریح می‌کند که انتظار مهدی موعود (عج) (با وجه شبه پاک‌ی و شفافیّت) به مانند «آینه» است. انتظار ظهور «فصل مقدّماتی» و «فاتحه‌الکتاب»

نشریه‌ی ادبیات پایداری / ۸۱

ذهن است. شاعر با این تشبیهات متذکر می‌شود که یاد مهدی (عج) همیشه و در هر مکان و بیش از هر چیز دیگری در ذهن منتظران اوست. «در حالات امام عصر (ع) و شرایط ظهور آن حضرت در روایات متعدد آمده است:

يَمَلَا اللهُ بِهٖ الْاَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا. یعنی خداوند به وسیله‌ی امام عصر (عج) عالم را پر از عدل و داد می‌کند، همچنانکه پر از ظلم و جور شده است» (فلسفی، ۱۳۷۹، ص ۴۰).

شاعر در شعر دیگری با عنوان «سرود فلق» اوج تأسف و تأثر خود را به خاطر ظلم و جور حاکم بر دنیا چنین بیان می‌دارد:

فریاد استغاثه‌ی مهدی بیا شنو

کز ره رسیده‌اند شهیدان کوی صبح

در شعله ریز حادثه، خیل ستارگان

مردند تا که زنده شود آبروی صبح

دلها ز فرط هجمه‌ی اندوه شب گرفت

کی می‌رسد سوار مظفر ز سوی صبح

(ما ایستاده‌ایم، ص ۵۱)

شعر بر وزن «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن» سروده شده است. در بیت اول، «کوی صبح» استعاره از راه اسلام است که شهدا جان گرانمایه‌ی خود را در این راه نثار نمودند. در بیت دوم، تشبیه «حادثه» به «شعله» با وجه شبه ویرانی و سوزندگی از تشبیهات بسیار بدیعی است که به خوبی جلوه گر است. «ستارگان» نیز استعاره از شهدای اسلام است. در بیت سوم، «شب» استعاره از ظلم و جور حاکم و «سوار مظفر» استعاره از مهدی موعود (عج) است. شاعر در این شعر اشتیاق خود را برای ظهور هر چه سریعتر آن حضرت ابراز داشته است.

۲-۴- اُسوه‌های مَلّی

۱-۲-۴- میرزا کوچک خان

شاید کمتر ایرانی‌ای باشد که با نام میرزا کوچک خان و نحوه‌ی قیام او علیه استعمار و استبداد داخلی آشنا نباشد. قیام میرزا کوچک خان از جمله قیام‌هایی بود

که با اندیشه‌ی اسلامی و ضد استعماری شکل گرفت. جنگلی‌ها اهداف خود را از این قیام، اخراج نیروهای بیگانه، رفع بی‌عدالتی، مبارزه با خودکامگی و استبداد و برقراری دولت مردمی اعلام کردند. میرزا شخصیتی بود که پس از مبارزه و مقاومت بسیار در برابر نیروهای مستبد داخلی و خارجی به ننگ تسلیم شدن تن نداد و برای حفظ آرمان‌های مذهبی-ملی جان خود را فدا نمود.

میرزا به تاریخ ۱۱ آذرماه سال ۱۳۰۰ هجری شمسی در حالی که قصد داشت از کوه‌های گیلوان عبور کرده و به حامیان خود پیوندد، در این کوه‌ها دچار بوران و طوفان گردید و سرانجام، زیر ضربات خرد کننده‌ی سرما و برف جان به جان آفرین تسلیم کرد. رحمدل در قسمتی از شعر «سپیدار صدا» از او چنین یاد می‌کند:

تو دم سبز بهاری میرزا! خوشه‌ی رنج بجاری میرزا!
خون خورشید در اندام نسیم هست با یاد تو جاری میرزا!

(ما ایستاده‌ایم، ص ۱۸)

در مصرع اول «میرزا کوچک خان» به «دم سبز بهار» که با وزش خود جان‌ها را زنده و سبز می‌کند، تشبیه شده است. خوشه‌ی برنج نماد رنج شالیکار گیلانی و محصول استقامت وی است و از اینرو، برای وی ارزشمند می‌باشد. از آنجاکه میرزا نیز زاده‌ی رنج و نماد درد کشیدگی و استقامت مردم بود، شاعر وی را به «خوشه‌ی رنج بجار» مانند نموده است. میرزا سعی دارد معارف الهی را که به «خون خورشید» تشبیه شده، در جان پیروان مکاتب الهی (اندام نسیم) جاری سازد. نکته‌ای که در این شعر جلوه گراست، استفاده از مراعات‌النظیر بین واژه‌های خوشه، سبز، بهار، نسیم و خورشید است که بر طراوت شعر افزوده است، ترکیب «خون خورشید» و «اندام نسیم» نیز ترکیبات استعاری جدیدی هستند که در این شعر خوش نشسته‌اند. تکرار ردیف «میرزا» و واج آرایه در حروف «ز» و «ج» و استفاده از وزن خوش آهنگ «فاعلاتن فعلاتن فعلن» و انتخاب دقیق قافیه‌ها موسیقی زیبایی به شعر بخشیده است. رحمدل در این چارپاره‌ی زیبا قافیه را در مصرع اول، دوّم و چهارم رعایت می‌کند و با شروع پاره‌ی جدید قافیه‌ی تازه‌ای بر می‌گزیند که این از خصوصیات قالب ادبی چارپاره است. به کارگیری انواع

نشریه‌ی ادبیات پایداری / ۸۳

موسیقی شعر، اعم از بیرونی و درونی و کناری و استفاده از تشبیهات محسوس چنان به شعر جان بخشیده که هر خواننده به ویژه خواننده‌ی گیلانی را به وجد می‌آورد.

۲-۲-۴- امام خمینی (ره)

«بی تردید اگر به شعر انقلاب اسلامی به گونه‌ی باغستانی سرسبزبادرختان تناور، لاله‌های سرخ و آتشین و جویبارهای زمزمه‌گر بنگریم، سه درخت سر به فلک کشیده از لحاظ موضوع سخن در آن توجه مان را بیشتر جلب خواهد کرد: امام، شهدا و جنگ سه درخت تناور باغستان شاعران مسلمانند و شاعران به این سه درخت تناور سر به فلک کشیده، بیش از دیگر مضامین سرسبز این باغ پرداخته‌اند» (حسینی، ۱۳۶۲، صص ۱۵۷-۱۵۹).

امام خمینی (ره) بزرگ مردی است که تاریخ مدیون فداکاری و ایستادگی او در برابر استکبار و استبداد طاغوت است. دل بستگی شاعر به انقلاب و امام (ره)، موجب سرایش رباعی و دو بیتی‌های زیبایی گشته است. اشعار رحمدل در مورد امام (ره) در سه حوزه قابل بررسی است: ورود امام، ستایش امام و رحلت امام. وی در مورد ورود امام (ره) به میهن اسلامی چنین می‌سراید:

از اوج بروج حق، سردار قیام آمد

بر شوق سماع جان، انوار امام آمد

طاغوت، نگونسر شد، با خاک برابر شد

شمشیر انالالحق چون بیرون ز نیام آمد

(از زمزمه تا فریاد، ص ۲۴)

شعر بر وزن «مفعول مفاعیل مفعول مفاعیل» سروده شده است. ترکیبات «بروج حق»، «سردار قیام»، «سماع جان»، «شمشیر انالالحق» از ترکیبات زیبای این شعر است. تکرار حرف «ج» در کلمات «اوج»، «بروج» و «جان» واج آرایبی ایجاد کرده و به موسیقی شعر افزوده است. «انالالحق» در بیت دوّم تلمیحی است به داستان بر دار رفتن حسین بن منصور حلاج که نماد سرخ شهادت است به مکافات گفتن «انالالحق».

رحمدل در قسمتی دیگر درباره‌ی امام می‌سراید:
گل بشکفتد از کلام مستت ای دوست
یک قافله قلب، پای بستت ای دوست
صبح است و بلال نور، مشغول وضوست
در جاری برکه‌های دستت ای دوست

(از زمزمه تا فریاد، ص ۴۶)

شعر بر وزن «مفعول مفاعیل مفاعیل فعول» سروده شده است. شاعر معتقد است که کلام امام (ره) چون باران بهاری احیاگر است و موجب شکوفایی جان‌های مخاطبان می‌شود، مخاطبانی که قلب‌هایشان در گرو عشق امام (ره) است. شاعر در بیت دوم با بهره‌گیری از صنعت تشخیص، نور معنویت را به «بلال» تشبیه نموده که در برکه‌ی دست امام (ره) مشغول وضو گرفتن است و با بیان این مطلب، به ستایش جنبه‌های معنوی و روحانی شخصیت امام (ره) می‌پردازد. تناسب بین واژه‌های صبح، نور، وضو، برکه و دست، آرایه‌ی مراعات النظیر و تکرار حرف «ق»، «س» و «ت» نغمه‌ی حروف یا واج آرایه‌ی راسبب شده است.

شاعر در شعر «آن شب نماز پیر به رمز و اشاره بود» درباره‌ی وفات امام در نیمه شب سیزدهم خرداد سال ۱۳۶۸ اینگونه مرثیه‌سرایی می‌کند:

دریای شب، کرانه‌ی «أَمَّنْ یَجِیب» گشت
لب‌ها پر از ترانه‌ی «أَمَّنْ یَجِیب» گشت
بر گونه‌ها کرشمه‌ی امواج اشک بود
گلدسته‌های عاطفه‌معراج اشک بود
أَمَّا دَعَا رَوْنَدَ قَضَا رَا عَوْضَ نَکَرَد
تقدیر سر به مهر خدا را عوض نکرد
آن راز سر به مهر فلک بی جواب رفت
شب زنده دار پیر جماران به خواب رفت

(از زمزمه تا فریاد، ص ۴۸)

بیت اول این شعر (أَمَّنْ یَجِیب)، اشاره دارد به آیه‌ی ۶۲ از سوره‌ی مبارکه‌ی نمل «أَمِّنْ یَجِیبُ الْمَضْطَّرُّ إِذَا دَعَا وَ یُکْشِفُ السُّوءَ». «مناجات با خدای سبحان و

راز و نیاز با او کاری پسندیده و لازم است. دعا به درگاه او و درخواست حل مشکلات خصوصاً هنگام درماندگی، برای همگان ضروری است لذا مسلمانان به خاطر تناسب محتوای این آیه، تبرکاً آن را در هنگام ضرورت می خوانند «(قرائتی، ۱۳۸۷، ص ۴۴۳). شعر در بحر مضارع «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن» سروده شده است. شاعر با تشبیه «شب» به «دریا» و تشبیه «دعا» به «کرانه ی این دریا» و تشبیه «اشک» به «امواج دریا»، مراعات النظیر به کار برده، ترکیبات «گلدسته های عاطفه» و «معراج اشک» ترکیب های استعاری هستند و نیز مراعات النظیر و تناسب موجود در مورد واژه های گلدسته، معراج، قضا، دعا و تقدیر به معنویت این شعر افزوده است. شاعر امام (ره) را راز سر به مهر الهی می داند که کسی هنوز نتوانسته است پی به اعماق این راز ببرد.

۳-۲-۴- شهید بهشتی و ۷۲ تن از یاران وی

واقعه ی هفتم تیر ماه ۱۳۶۰ هجری شمسی و شهادت مظلومانه ی دکتر بهشتی و ۷۲ تن از یاران انقلاب در دفتر حزب جمهوری اسلامی واقعه ی دردناکی است که هرگز از اذهان مردم مسلمان و غیور ایران پاک نمی شود. حادثه ی هفتم تیر در آئینه ی شعر رحمدل چنین بیان شده است:

چنگال شیطان، چون ز کین آتش فکن شد

آنک بهشتی پاره تن، خونین کفن شد

بازوی نستوهش بریده از بدن شد

دل ها اقامتگاه هفتاد و دو تن شد

(ما ایستاده ایم، ص ۴۱)

در شعر فوق، منافق کوردلی که موجب انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی شده، به شیطان تشبیه شده است. شاعر معتقد است با وجود این که جسم بهشتی و یاران وی در اثر این انفجار تکه تکه و متلاشی شد، ولی یاد این شهدا همیشه در دل ها و اذهان مردم جای دارد و هرگز فراموش نخواهند شد. شاعر با بهره گیری از هنر ایجاز، واقعه ی مذکور را با زبانی ساده در این شعر گنجانده است. شعر در بحر رجز «مستفعِلن مستفعِلن مستفعِلن فع» سروده شده است، وزن شعر با تم اصلی آن کاملاً تناسب دارد و غم و اندوه درونی شاعر به خوبی نمایان است.

۴-۲-۴- شهیدان رجایی و باهنر

در هشتم شهریور ماه ۱۳۶۰ هجری شمسی دشمنان ملت ضایعه‌ی دردناک دیگری را بر مردم صبور وارد کردند که این حادثه‌ی هولناک موجب شهادت دو یار دیرین انقلاب، شهیدان رجایی و باهنر را فراهم آورد. رحمدل در شعر «در بستر تابوت نهادند دو یاقوت» شهادت این دو شهید عزیز را چنین شرح می‌دهد:

می سوخت چو یک دسته‌ی گل، با هنر ما
می ریخت شرنگی ز شرر، بر جگر ما
دلخون شد از این واقعه خورشید جماران
فریاد گرامت پیکار گر ما
آن روز، رجایی وزش نور خدا گشت
در زمزم خون، زمزمه‌ی صدق و صفا گشت
آن قوت جان، اسوه‌ی اخلاص و صداقت
پروانه شد و در ره معبود فنا گشت

(ما ایستاده ایم، ص ۵۵)

نکته مهم شعر این است که شعر در بحر هزج سروده شده که این بحر معمولاً برای بیان موضوعات فرح بخش به کار می‌رود، مهارت شاعر در استفاده از این وزن برای بیان موضوعی مرثیه‌گونه سبب شده که هیچ طرب و شادی‌ای از این وزن ایجاد نشود. عمق اندوه و تأثر شاعر از شهادت این دو مبارز، در واژه واژه‌ی شعر مشهود است. شاعر به دور از هرگونه تکلف و تصنع غم‌نامه‌های منظوم خود را در سوگ این عزیزان سر می‌دهد. استفاده از واژه‌ی «خون» بابسآمد بالا (خونین کفن، دلخون و زمزم خون) نشانه‌ی شهادت و دلخون بودن شاعر از این وقایع تأسفبار است. در شعر فوق شهید باهنر به «یک دسته‌ی گل» و شهید رجایی به «وزش نور خدا» و «زمزمه‌ی صدق و صفا» تشبیه شده است، «خورشید جماران» در بیت دوم استعاره‌ی مصرحه از امام خمینی (ره) و قوت جان و «اسوه‌ی اخلاص و صداقت» استعاره از شهید رجایی است. «پروانه شدن»

نشریه‌ی ادبیات پایداری / ۸۷

مجازاً به مفهوم نیست و نابود شدن است. «زمزم خون» اضافه‌ی تشبیهی است و نغمه‌ی حروف «ز»، «ش» و «ص» موسیقی شعر را چندین برابر کرده است.

۵-۲-۴- روحانیان

بی شک نقش بیدارگری روحانیون و ایجاد روحیه‌ی مقاومت و پایداری در ملت بر کسی پوشیده نیست. آیت الله مُدرّس، آیت الله کاشانی، آیت الله میرزای شیرازی و امام خمینی (ره) از جمله روحانیان مبارزند که هر یک در برهه‌ای از زمان نقش مؤثری در احیای ارزش‌های اسلامی و انسانی ایفا نموده‌اند.

رحمدل در شعری تحت عنوان «روحانی‌ای شکوه شهادت!» درباره‌ی روحانیان چنین می‌گوید:

در ریزش مداوم بیداد
انگیزه‌ی مقاومت سُرخ
تمثیل صبر و جلوه‌ی ایمان است
بر سطر سطر باور زندان‌ها
تصویر استقامت تو تکرار می‌شود
ای زاده‌ی شکنجه و شلاق
در کنج دنج رنج!
شعر بلند عاطفه و ایثار
در حیطه‌ی تخیل باران!
روحانی! ای شکوه شهادت!

(ما ایستاده ایم، ص ۴۴)

در شعر بالا، روحانیان مبارزی ستوده می‌شوند که در طول دوران ستم‌شاهی در زندان‌های مخوف و تاریک، صبر و استقامت پیشه نمودند و شکنجه‌ها و شلاق‌ها را تحمل نمودند، ولی هرگز حاضر نشدند از اهداف متعالی خود دست بردارند.

در شعر، ظلم و بیداد حاکم بر جامعه چون باران سیل‌آسایی دانسته شده که پیوسته در حال باریدن است و با بارش مداوم خود همه چیز را نابود و تخریب می‌کند.

رحمدل در سروده‌های خود به موسیقی کلام توجه خاصی دارد، در بند «ای زاده‌ی شکنجه و شلاق در کنج دنج رنج» شاعر با تکرار حرف «ج» واج آرایبی ایجاد کرده و نه تنها بر موسیقی درونی شعر افزوده، بلکه تکرار پشت سر هم آن، ضمن تناسب با تکرار قطرات باران، یادآور تازیانه‌هایی است که در زندان‌های مخوف ستم شاهی بر پیکر مبارزان فرود می‌آمد. همچنین، با مخاطب قرار گرفتن روحانی، خواننده روحانی مؤمن، شجاع و ایثارگری را پیش روی خود می‌بیند که با سر و جسمی زخمی و خونین به ایستادگی و مقاومت خود علیه استعمار و استبداد داخلی، صبورانه ادامه می‌دهد. شاعر، شهادت طلبی روحانیان را ناشی از خدا باوری و ایمان بالای آن‌ها می‌داند و معتقد است روحانی مملو از عاطفه و ایثار است و در راه اعتلای ارزش‌های اسلامی شهادت را به جان می‌خرد.

۶-۲-۴- شهدا و خانواده‌های آنان

از دیگر اسوه‌های مقاومت و پایداری سرداران و رزمندگان شهیدند. «ذکر نام و یاد شهیدان کربلای ایران از بیشترین بسآمد در شعر دفاع مقدس برخوردار است.» (فروتن پی، ۱۳۸۲، ص ۵۱). همان‌طور که اشاره شد، عاشورا منشأ ادب پایداری، مقاومت، حماسه و جانبازی است. رحمدل به شهدای دفاع مقدس از دریچه‌ی کربلا چنین می‌نگرد:

باز از جبهه‌ی حق، نعش شهید آوردند

ورقی پاره ز قرآن مجید آوردند

چاوشان حرم از علقمه‌ی خوزستان

جسم بی دست ابوالفضل رشید آوردند

(ما ایستاده ایم، ص ۲۵)

شعر بر وزن «فاعلاتن فعلاتن فعلتن فعلن» سروده شده است. در این سروده، تشبیه شهید به ورقی از قرآن مجید، تشبیه نو و بدیعی است که ساخته‌ی ذهن خلّاق رحمدل است، این تصویر پردازی و ایماژ قوی، قداست معنوی شهید را به خوبی نشان می‌دهد. شاعر در بیت دوم با تشبیه خوزستان به دشت کربلا و تصوّر جریان داشتن رود علقمه (که شعبه‌ی ای از رود فرات است) در خوزستان، اوج مهارت و تخیل خود را در یکسان‌سازی کربلای ایران و کربلای عراق به کار

برده است. وی در مصرع چهارم این شعر به توصیف نعش شهیدی که به سان حضرت عباس (ع) در پیکار با خصم دستان خود را ایثار کرده است، می پردازد. گویی شاعر در این شعر، صحنه‌ی کربلا را باز سازی کرده است. وی مخاطب خود را بارزمنده‌ی ای روبه رو می کند که مانند حضرت ابوالفضل العباس (ع) برای آوردن آب برای اهل خيام ابا عبدالله (ع)، به سمت رود فرات می رود. اما سرانجام، بی دست و پا مشك سوراخ و با بدنی پر از نیزه بر می گردد. در تعبیر ورقی پاره زقرآن نیز این تشابه بین پارگی و سوراخ سوراخ بودن بدن شهید بر اثر تیرهای دشمن و بدن چاک چاک حضرت عباس (ع) به خوبی مشهود است. صبر و مقاومت و ایستادگی اقوام و نزدیکان شهدا بر کسی پوشیده نیست، مادری که خود با دست خود بر پیشانی فرزندش پیشانی بند «یا حسین» و «یا زهرا» می بست و او را راهی جبهه‌ها می کرد، شیر زنانی که با در دست داشتن آب و قرآن و ذکر دعا بر لب، همسران خود را برای دفاع از اسلام راهی جبهه‌های نبرد حق علیه باطل می نمودند و فرزندان‌ی که با چشمان اشکبار منتظر بازگشت پدران خود می ماندند، همه و همه برای نسل‌های آینده الگو و سرمشق مقاومتند. رحمدل در شعر «بشیر خبر» این صحنه‌ها را چنین به نظاره می نشیند:

مادر به گور سرخ پسر، بوسه می زند
خورشید برجبین سحر، بوسه می زند
بوسید و خانه رفت ولی ساعتی نگشت
از ره رسید و بار دگر، بوسه می زند
طفل شهید، خواب پدر دید زین سبب
با چشم تر، به عکس پدر بوسه می زند
در خواب، جای خالی آن تازه رفته را
چون غنچه‌ای گرفته به بر، بوسه می زند
خواهر به روی نعش برادر ز هوش رفت
بر آن تن جدا شده سر، بوسه می زند
(ما ایستاده ایم، ص ۳۸)

شعر در بحر مضارع اخرب «مفعول فاعلات مفاعیل فاعل» سروده شده است، شاعر بوسه‌ی مادر بر مزار فرزند شهید خود را همچون بوسه‌ی گرم خورشید بر جبین سحر می‌داند، تشبیه «مادر» به «خورشید» و تشبیه «مزار» به «پیشانی سحر»، از خلاقیت ذهنی شاعر حکایت دارد. در بیت سوم، شاعر با زبانی ساده خواننده را در برابر صحنه‌ای قرار می‌دهد که در این صحنه، فرزند شهید با چشمان اشکبار خود بر قاب عکس پدر بوسه می‌زند و سرانجام، در بیت آخر، خواهر شهیدی توصیف می‌شود که بر نعش بی‌سر برادر شهید خود بوسه می‌زند. توصیف این صحنه‌های با شکوه پایداری، تعهدی است که شاعر خود را ملزم به انجام این تعهد می‌داند. رحمدل در این ابیات، تصویرگر ایمان، رشادت، ایثارگری و صبوری شیر زنانی است که گام به گام با مردان در دفاع مقدس پیش رفتند، زنانی که صبوری آنان شاخص‌ترین ویژگی آنان در ادبیات دفاع مقدس است.

۲-۲-۴- پاسداران انقلاب اسلامی

از دیگر اسوه‌های مقاومت ملت ایران در برابر دشمنان داخلی و خارجی، پاسداران انقلاب اسلامی هستند. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در نخستین روزهای پس از انقلاب اسلامی به فرمان امام خمینی (ره) تشکیل شد. امام (ره) در دوم اردیبهشت ۱۳۵۸ هجری شمسی طی فرمانی به شورای انقلاب اسلامی رسماً تأسیس این نهاد را اعلام فرمودند. نقش سپاه پاسداران در دفاع از حریم اسلام و میهن در قانون اساسی چنین تعریف شده است: «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در نخستین روزهای پیروزی انقلاب تشکیل شد، برای ادامه‌ی نقش خود در نگرهبانی از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن پابرجا می‌ماند.» (قانون اساسی، ۱۳۸۲، ص ۸۲). پاسداران مخلص و فداکار در طی جنگ تحمیلی پا به پای سایر نیروهای مسلح در راه حفظ کیان دین و میهن شجاعانه جنگیدند و هر مانعی را که موجب آسیب رسیدن به اسلام و وطن می‌شد، از سر راه برداشتند. رحمدل در شعر «آینه‌ی فلق» پاسداران را این‌گونه توصیف می‌کند:

ای پاسدار! نعره‌ی دریا، درفش خون

توفنده باد خاطره‌ی مستدام تو

برخیز از گلوی تفنگت، گلوله ریز

تا خصم زخم خورده بیفتد به دام تو

(ما ایستاده ایم، ص ۶۷)

آنچه در این شعر توجه را جلب می‌کند، ترکیبات «نعره‌ی دریا»، «درفش خون» و «گلوی تفنگ» است. درفش خون استعاره از شهادت طلبی است. در ترکیبات نعره‌ی دریا و گلوی تفنگ، دریا به شیر و لوله‌ی تفنگ به گلوله تشبیه شده است. در این شعر، پاسدار به موج خروشان تشبیه شده، موجی که هر مانعی را از سر راه برمی‌دارد و توفنده و خروشان به سوی ساحل امنیت و آرامش پیش می‌رود. پاسدار مانند پرچم برافراشته‌ای است که همواره با فکر شهادت طلبی در سر و علم اسلام در دست برای مبارزه با دشمن داوطلب و پیشگام است. در بیت دوم، تکرار حرف «گ» بین واژه‌های «گلو»، «تفنگ» و «گلوله» نغمه‌ی حروف ایجاد کرده است. شاعر با تهییج پاسدار از وی می‌خواهد آتش خشم خود را بر خصم زبون بیارد و او را محو و نابود سازد.

۵- نتیجه

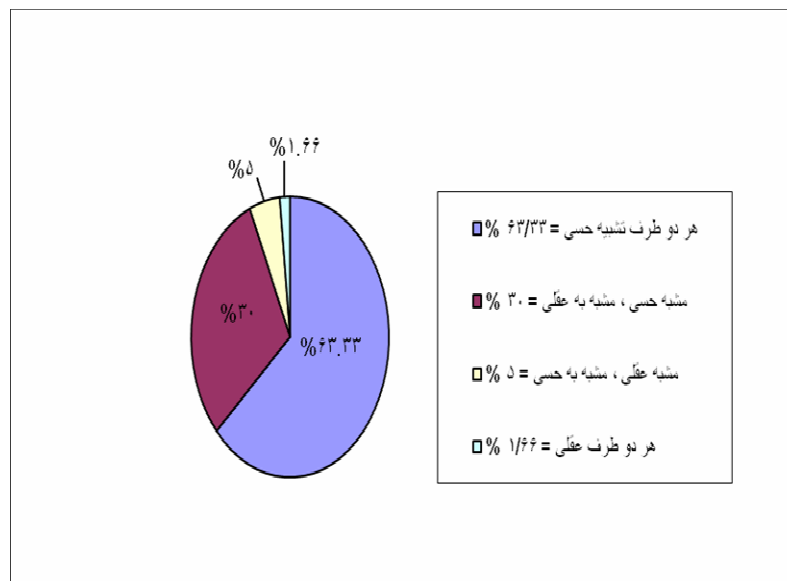
از مطالعه‌ی اشعار دو کتاب «ازمزمه تا فریاد» و «ما ایستاده ایم» برمی‌آید که رحمدل دارای اعتقادات ریشه دار مذهبی است. این افکار و اندیشه‌ها در کلام او جاری شده و شعر او را تأثیر گذار کرده است.

رحمدل در سروده‌های خود لحن حماسه و عرفان را با هم درآمیخته است. شعر وی تجلی‌گاه دین و معرفت، پایداری و مقاومت و ایثار و شهادت است. وی با بهره‌گیری از ابزارهای ادبی و آفرینش کلام مؤثر در زمینه‌ی ادبیات پایداری توانست به تعهد خود در این زمینه عمل کند.

رحمدل در به‌کارگیری واژگان ساده و ساختن ترکیبات بدیع تواناست. وی با زبانی ساده و صمیمی تصاویر ماندگاری از دوران دفاع مقدس خلق کرده است. شاعر در تصویرسازی‌های خود از تشبیه و استعاره بیشتر بهره برده است. وی از هر چهار نوع تشبیه (حسی به حسی - حسی به عقلی - عقلی به حسی - عقلی به عقلی به

عقلی) استفاده کرده، اما استفاده از تشبیه محسوس بسآمد بیشتری دارد. میزان استفاده ی شاعر از اقسام مختلف تشبیه را می توان در نمودار زیر مشاهده کرد:

نمودار میزان استفاده از انواع تشبیهات در اشعار رحمدل



رحمدل با استفاده از واژه های ساده توانسته مفاهیم بلندی را انتقال دهد. وی افکار درونی خود را در قالب ردیف های آخر ابیات به راحتی بیان می کند. شعر رحمدل سرشار از عاطفه و عشق به اسلام و میهن است. او شاعر متعهدی بود که در راه حفظ کیان اسلام و میهن قلم می زد و با اشعار خود روح حماسه و عرفان را در بطن اجتماع جاری می ساخت.

کتابنامه

۱. قرآن مجید.
۲. امیری خراسانی، احمد، (۱۳۸۷)، **نامه‌ی پایداری**، چاپ اول، تهران، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس.
۳. حسین، سید حسن، (۱۳۶۲)، **شعر انقلاب (مقاله)**، سوره (جنگ پنجم)، تهران، حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی.

نشریه‌ی ادبیات پایداری / ۹۳

۴. رحمدل شرفشاده‌ی، غلامرضا، (۱۳۷۲)، *از زمزمه تا فریاد*، چاپ اول، دانشگاه گیلان.
۵. رحمدل شرفشاده‌ی، غلامرضا، (۱۳۸۵)، *ما ایستاده‌ایم*، رشت، حرف نو.
۶. فخرایی، ابراهیم، (۱۳۶۲)، *سردار جنگل*، تهران، انتشارات جاویدان.
۷. فروتن پی، روزبه، (۱۳۸۲)، *از حماسه و عشق*، چاپ اول، تهران، انتشارات الهه‌ی ناز.
۸. فلسفی، محمد تقی، (۱۳۷۹)، *حکومت جهانی امام عصر (ع)*، تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (ع).
۹. قاسمی، حسن، (۱۳۸۳)، *صور خیال در شعر مقاومت*، چاپ اول، انتشارات فرهنگ گستر.
۱۰. قرائتی، مُحسن، (۱۳۸۷)، *تفسیر نور*، ج ۸، چاپ چهاردهم، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۷.
۱۱. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۵۴)، *پرسش‌ها و پاسخ‌های مذهبی*، قم، چاپ حکمت.
۱۲. یاحقی، محمد جعفر، (۱۳۷۴)، *چون سبوی تشنه*، انتشارات جامی.